



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

دیپلماسی اقتصادی چین الگویی موفق در آسیا



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: رحیم خجسته

□ نکات برجسته

- دیپلماسی اقتصادی یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند دولت‌ها برای کنش در فضای بین‌المللی و دستیابی به موقعیت بهتر در عرصه اقتصادی
- هدف از دیپلماسی اقتصادی کسب قدرت و نفوذ سیاسی در سایر کشورها
- اولین اقدام چین بهبود روابط با همسایگان در راستای رسیدن به اهداف توسعه اقتصادی بود.
- مهم‌ترین ارکان دیپلماسی اقتصادی چین ایجاد مناطق تجارت آزاد، انعقاد موافقتنامه‌های تجارت آزاد، حضور در گروه‌های بین‌المللی اقتصادی و تجاری

□ مقدمه و طرح مسئله

دیپلماسی اقتصادی از واژه‌های جدیدی است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن جهان دو قطبی وارد ادبیات روابط بین‌الملل شده است. با محدود شدن الزامات امنیتی، اقتصاد اهمیت بیشتری یافته و دیپلماسی در خدمت اقتصاد قرار گرفت. از این رو کشورهای توسعه یافته همواره از دستگاه دیپلماسی خود به عنوان سکویی برای رشد و توسعه اقتصادی بهره گرفتند. به عبارتی دیگر یکی از ارکان موفقیت این کشور به کارگیری موضوع دیپلماسی اقتصادی است. کارشناسان و صاحب نظران حوزه روابط بین‌الملل اعتقاد دارند که کشورهای در حال توسعه نیز برای حضور در عرصه جهانی و رشد و توسعه اقتصادی باید دستگاه دیپلماسی خود را به دانش اقتصادی ارتقاء دهند. از این رو دیپلماسی به منزله یکی از ابزارهای مهم سیاست خارجی کشورها با مؤلفه‌های اقتصادی در آمیخت و اولویت اصلی در دیپلماسی، تقویت دیپلماسی اقتصادی قرار گرفت. در این میان برخی کشورها همراهی بیشتری با این روند داشته‌اند و به همین نسبت موفقیت‌های بیشتری نیز به دست آورده‌اند. یکی از موفق‌ترین کشورها در این زمینه چین است. این کشور چند دهه بعد از انقلابی که تقابل با نظام بین‌الملل را از اصول اساسی خود می‌دانست و پس از فراز و نشیب‌های فراوان در این زمینه، توجه بیشتر به مسئله اقتصاد و اصلاحات در عرصه‌های مختلف با هدف تبدیل شدن به یک قدرت جهانی با محوریت قدرت اقتصادی را آغاز کرد که در حال حاضر به دومین قدرت جهانی در عرصه اقتصادی تبدیل شده است. با توجه به گسترده‌گی موضوع در این بخش فقط روابط چین با همسایگان خود مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ لذا سؤال اصلی این نوشتار این است که دیپلماسی اقتصادی چین با همسایگان خود چه تاثیری بر ارتقاء اقتصادی چین داشته است؟ هدف از این نوشتار یادآوری به دستگاه دیپلماسی کشورمان برای بهره‌گیری از ظرفیت اقتصادی برای کاهش تنش، افزایش مبادلات اقتصادی با همسایگان کشورمان، با استفاده از ابزار دیپلماسی اقتصادی برای بهبود وضعیت اقتصادی می‌باشد.

□ مفهوم دیپلماسی اقتصادی

یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند دولت‌ها برای کنش در فضای بین‌المللی و دستیابی به موقعیت بهتر در اقتصاد جهانی، "دیپلماسی اقتصادی" است. یک تعریف استاندارد از دیپلماسی اقتصادی به دست نیامده است و تعاریف مختلفی در این زمینه وجود دارد. آنچه در همه تعاریف موجود در خصوص دیپلماسی اقتصادی مشترک می‌باشد آن است که دیپلماسی اقتصادی شامل اقدامات رسمی دیپلماتیکی است که:

اولاً دسترسی به بازارهای خارجی را برای کسب و کارهای ملی تسهیل می‌کند،

دوما در تلاش برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی هستند و

سوما بر اثرگذاری روی قوانین بین‌المللی در راستای پیشبرد منافع ملی تاکید می نمایند.

در حقیقت دیپلماسی اقتصادی منافع اقتصادی دولتها را در خارج از کشور و در اقتصاد جهانی گسترش می‌دهد و ضمن استفاده از ابزارهای مختلف در جهت دستیابی به منافع اقتصادی، پیوندی بین قدرت و رفاه ایجاد می‌کند. به اعتقاد کارشناسان کشورهایی که در عرصه سیاست خارجی رویکرد توسعه‌گرا در پیش گرفته‌اند، ناگزیرند دیپلماسی اقتصادی پویایی داشته باشند و تلاش کنند در تأمین اهداف اقتصادی خود در عرصه بین‌المللی از کلیه ابزارها و پتانسیل‌ها از جمله ظرفیت اقتصادی استفاده کنند. امروزه در کنار دیپلماسی اقتصادی، از اصطلاحات مختلفی همانند دیپلماسی مالی، دیپلماسی تجاری، دیپلماسی بازرگانی نیز استفاده می‌شود.

□ اهداف دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی با بهره‌گیری از فرصت‌ها و امکانات اقتصادی به دنبال تحقق اهداف خاص سیاسی و اقتصادی همچون کسب قدرت و نفوذ سیاسی در سایر کشورها، بهبود تصویر کشور، جذب توریسم، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، افزایش صادرات، دستیابی به فن‌آوری و تکنولوژی و در یک کلام گسترش روابط اقتصادی با دیگر دولتها و نهادهای بین‌المللی در راستای کمک به توسعه اقتصاد ملی می‌باشد. در ترسیم اهداف دیپلماسی اقتصادی، لازم است دولتها اولویت‌های موجود در حیطه توسعه ملی را در نظر بگیرند و بر اساس درکی درست از منطق بازار جهانی، آنها را محقق سازند. به طور مثال کشوری با جمعیت زیاد و نرخ بیکاری بالا که خلق فرصت‌های شغلی جزو اولویت‌های توسعه ملی آن است، باید فرصت‌های اشتغال‌زا را در روابط خارجی خود دنبال کند.

□ چین و دیپلماسی اقتصادی

زیربنای توسعه اقتصادی کنونی چین را می‌توان طرح‌های توسعه اقتصادی دنگ شیائوپینگ در سال 1985 میلادی دانست. از این رو اصلاحات گسترده‌تری، به ویژه پس از پایان جنگ سرد اعمال شد. رویه دیپلماسی چین امروزه توسعه سریعی داشته و بیشتر پراگماتیستی، سازنده و حرفه‌ای شده است. دیپلماسی جدید چین بیشتر با رهیافت نرم و انعطاف‌پذیری فزاینده شناخته شده است و رهبران این کشور در سیاست خارجی بیشتر دنبال راه‌حل‌های برد-برد با انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی هستند. این رویه باعث تقویت و هدایت دستگاه دیپلماسی پکن به سوی دیپلماسی اقتصادی گردید. چین را می‌توان یکی از کشورهای موفق در این زمینه دانست که در تلاش است که با استفاده از دیپلماسی اقتصادی، رفاه کشور خود را ارتقاء دهد. این کشور تا مدتها به دلیل پیروی از دکترین «عدم مداخله» دنگ شیائوپینگ، از دیپلماسی اقتصادی برای پیشبرد سلطه اقتصادی خود استفاده می‌کند. مرور وضعیت اقتصادی نامطلوب چین نشان می‌دهد که الگوی توسعه در چین بر پایه تقابل با نظام بین‌المللی، نیل به خودکفائی و تبدیل اقتصاد کشاورزی و عقب‌مانده چین به اقتصادی صنعتی، تنظیم شده بود.

در آن دوران به منظور توسعه ظرفیت‌های بومی برای تولید کالاهای وارداتی در داخل، استراتژی جایگزینی واردات اجرا می‌شد و حمایت‌گرایی شدید، تولید برای مصرف داخلی، کنترل انحصاری دولت بر تجارت خارجی، تبدیل اغلب شرکت‌های خصوصی به دولتی یا مشارکتی و به طور کلی تبدیل اقتصاد چین به یک اقتصاد برنامه‌ریزی شده، در دستور کار قرار گرفته

بود. تجارت نیز صرفاً به تامین مواد خام و فن آوری تقلیل یافته بود و نقش چندان مهمی در توسعه چین نداشت. نتایج حاصل از چنین الگویی، کسری مالی، جامعه‌ای فقیر، صنعتی عقب مانده، تجارتی ناچیز، بازدهی پایین نیروی کار و فن آوری های قدیمی بود. دولت جدید چین، اصلاح ساختار اقتصاد و حرکتی تدریجی به سوی اقتصاد بازار را در دستور کار قرار داد. چین به یکباره درهای اقتصاد خود را باز نکرد، بلکه در این مسیر با احتیاط عمل نمود و به تدریج به سوی آزادسازی تجاری حرکت کرد. اصلاحات اقتصادی در چین باعث شد نرخ‌های بالای سرمایه‌گذاری که با افزایش در کارایی سرمایه‌گذاری نیز همراه بود، منجر به رشد شتابان در چین شد؛ به طوری که متوسط رشد تولید ناخالص ملی طی دوره زمانی 1995-1997 به حدود 8,5 درصد و طی سال‌های 1990-2012 به 10 درصد رسید. همچنین از سال 1978 تا 2013 حجم اقتصاد چین بیش از 70 برابر شد و سهم آن از اقتصاد جهانی از 1,8 درصد به بیش از 11,5 درصد افزایش یافت و حجم کل تجارت این کشور نیز بیش از 175 برابر شد.

□ مناسبات با همسایگان

بهبود روابط با همسایگان از نظر مقامات چین در راستای رسیدن به اهداف توسعه محور، حائز اهمیت فراوان است. پیشینه اختلافات ارضی، مرزی و سیاسی تاریخی با اکثر همسایگان، چین را به این امر واداشت که ابتدا با رویکرد مسالمت آمیز، درصدد رفع یا کاهش اختلافات با این کشورها بر آید. در همین راستا، در دهه 1990، به حل برخی از اختلافات مرزی که از لحاظ تاریخی موجب تنش بین این کشور و همسایگانش شده بود، پرداخت. از سال 1991 چین شروع به حل اختلافات مرزی با قزاقستان، قرقیزستان، لائوس، روسیه و ویتنام، حتی گاهی با شرایطی نه چندان مطلوب کرد. در این دوره روابط با هند نیز که یکی از دشمنان دیرینه چین بوده، بهبود یافت. همچنین در اواسط دهه 1990، شروع به برقراری ارتباط با سازمان کشورهای جنوب شرقی آسیا کرد. در سال 1995 پکن با مقامات ارشد "آ.سه. آن" جلسات سالانه برگزار کرد و دو سال بعد، نیز به پایه گذاری سازوکار "آ.سه. آن" که مجموعه ای از جلسات سالیانه میان ده کشور عضو آ.سه. آن، به اضافه چین، ژاپن و کره جنوبی بود، کمک کرد. این کشور همچنین مشارکتش را در مجمع همکاری اقتصادی آسیا پاسیفیک با میزبانی نهمین اجلاس سران در شانگهای در سال 2001 افزایش داد. همچنین سازمان همکاری شانگهای را به عنوان اولین گروه چند جانبه منطقه ای در آسیای مرکزی تقویت و رهبری کرد. به طور کلی، نخبگان چینی به خوبی می دانند که یکی از مهم ترین و ضروری ترین اقدامات در راستای توسعه چین و تبدیل آن به قدرت مسلط اقتصادی در دنیا، داشتن دنیایی با ثبات و صلح آمیز به خصوص در مناطق اطراف است. تمام تلاش دولتمردان چین امروز، این است که منطقه آسیا و به خصوص محیط پیرامونی چین تبدیل به محیطی با ثبات برای توسعه، سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی شود.

□ ارکان دیپلماسی اقتصادی چین

دیپلماسی اقتصادی چین بر پایه ارکان مهمی همچون اصالت دادن به روابط منطقه‌ای؛ ایجاد مناطق تجارت آزاد در راستای ترویج صادرات؛ افزایش ثروت ملی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛ بهبود محیط کسب و کار؛ انعقاد موافقتنامه‌های تجارت آزاد با کشورهای مختلف در راستای چند جانبه‌گرایی تجاری؛ اعطای کمک به کشورهای فقیر بنیان نهاده شده است. چین با حرکت سریع به سمت توسعه‌گرایی در سیاست خارجی به ویژه با همسایگان خود توانست در وهله اول تبادلات

اقتصادی خود را با این کشورها عمیق تر کرده و در وهله دوم تامین امنیت که عنصر اصلی اقتصاد و شرکای تجاری است را تضمین کند.

در همین راستابه مهم ترین ارکان دیپلماسی اقتصادی چین می توان به صورت ذیل برشمرد:

- ایجاد مناطق تجارت آزاد:

به دنبال سیاست های اقتصادی چین در اجرای آزاد سازی تجاری، مقررات زدایی و خصوصی سازی دولت این کشور تلاش کرده است جهت ترویج صادرات و افزایش ثروت ملی به ایجاد مناطق تجارت آزاد مبادرت ورزد. این تلاش سرانجام در آگوست 2013 با ایجاد یک منطقه آزاد تجاری در شانگهای به ثمر نشست. هرچند وسعت این منطقه از حیث جغرافیایی خیلی محدود بود و بخش کوچکی از سواحل شانگهای را در برمی گرفت، ولی ایجاد این منطقه نشان داد که چین به دنبال آزادسازی یک جانبه رژیم تجاری و سرمایه گذاری خود بوده است و با این رویکرد، عملاً می خواهد ناکامی خود در زمینه فقدان پیشرفت کافی در مذاکرات دور دوحه جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی را جبران کند. یکی از نتایج این منطقه آزاد کاهش مداخلات تشکیلات اداری دولت در فعالیتهای اقتصادی، محدودیتها و سرمایه گذاریها و گسترش نفوذ پول ملی این کشور در عرصه های تجارت، کشتیرانی و امور لجستیکی بین المللی بود.

- انعقاد موافقتنامه های تجارت آزاد:

چین 12 موافقتنامه تجارت آزاد را اجرا کرده و 21 موافقتنامه را نیز در دست مذاکره دارد. موافقتنامه های تجارت آزاد چین را می توان به سه دسته تقسیم کرد: 1- موافقتنامه های تجارت آزاد با دولت های کوچک و دارای اقتصادهای شکننده، 2- موافقتنامه های تجارت آزاد با دولت های منطقه شرق و جنوب شرق آسیا (آ.سه.آن) 3- موافقتنامه تجارت آزاد فراقاره ای

- اعطای کمک به کشورهای فقیر:

کمک اقتصادی به سایر کشورها یکی دیگر از ابعاد دیپلماسی اقتصادی چین به شمار می رود. به موازات رشد اقتصادی چین، سیاست کمک این کشور نیز ابعاد، جلوه ها و دامنه شگرفی به خود گرفت به گونه ای که هم اکنون بیش از 11 کشور در سراسر جهان در زمره دریافت کنندگان کمک های اقتصادی چین در قالب کمک نقدی، وام های بدون بهره و اعطای امتیازات ترجیحی به شمار می آیند.

- حضور در گروه های بین المللی اقتصادی و تجاری:

مهمترین گروه اقتصادی که چین در آن حضور دارد، گروه بریکس است که شامل هند، روسیه و برزیل می باشد. عضویت چین از آن جهت اهمیت دارد که بریکس به عنوان یک ائتلاف فرا قاره ای، ساختار بندی جدیدی برای اقتصاد و سیاست جهانی بدون اروپا و آمریکا است و این ظرفیت را دارد تا نظم مسلط فعلی و آمریکایی را به چالش بکشد. از طرفی دیگر دو کشور عضو بریکس یعنی چین و روسیه، عضویت دائم شورای امنیت را دارند و هر سه کشور دیگر یعنی هند، برزیل و آفریقای جنوبی داعیه عضویت دائم در شورای امنیت و اصلاح ساختارهای سیاسی و مالی جهانی را دارند. از نظر اقتصادی نیز تا سال 2030 سه کشور از چهار اقتصاد اصلی جهان، عضو بریکس خواهند بود. تمامی این سه عامل را می توان در مقابله با سیطره جویی غرب به رهبری آمریکا

و تلاش برای برقراری نظم اقتصادی عادلانه در نظام بین الملل جستجو کرد. این هدف غایی بریکس در واقع یکی از مؤلفه‌های زیربنایی اقتصادی سیاست خارجی چین نیز به شمار می‌آید.

□ نتیجه‌گیری

دولت چین بعد از اصلاحات ساختاری در عرصه اقتصادی، یک دیپلماسی اقتصادی قوی را در دستور کار خود قرار داد و با پایبندی به الزامات چنین رویکردی پس از چند دهه در عرصه جهانی به یکی از قدرتمندترین کشورها در زمینه اقتصادی تبدیل شده است. شاکله اصلی دیپلماسی اقتصادی چین مشتمل بر اصالت دادن به محیط منطقه‌ای، تأکید بر بهره‌گیری هم‌زمان از دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی عمومی، موازنه‌سازی نرم و خزنده و چندجانبه‌گرایی فعال بوده است. رهبران چین دریافتند که برای کسب ثروت و همچنین ارتقای جایگاه قدرت باید در چرخه اقتصاد بین‌الملل فعال باشند. امروزه رهبران این کشور به شکل کاملاً هوشمندانه رقابت سرسختی با ایالات متحده در عرصه اقتصادی و علمی از جمله حوزه تولید علم، فناوری، نرم‌افزار، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش تولید و صادرات شروع کرده‌اند. به اعتقاد کارشناسان در دنیای کنونی، اقتصاد، سیاست و امنیت در هم تنیده شده و توسعه کشور بدون ارتباط منطقی بین این متغیرها ممکن نیست.

در این چارچوب، می‌توان درس‌هایی از دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی چین گرفت. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که می‌تواند ایران را از وضع موجود به وضع درخور و مطلوب برساند، مذاقه بر موضوع دیپلماسی اقتصادی است؛ رهبر معظم انقلاب هم از سال‌ها قبل به دولتمردان توصیه کردند این موضوع مهم را در اولویت خود قرار دهند: "تأکید و اصرار میکنیم همین مسئله‌ی تحرک دیپلماسی جهت‌دار، برنامه‌دار، پخته، نافذ و اثرگذار باشد. ما هر چه در زمینه‌ی دیپلماسی تحرکمان بیشتر باشد، بهتر است. این سفرهای خارجی، ملاقاتهای خوب و گفتگوهای تلفنی، همه‌اش کارهای لازم امروز ماست؛ هر چه حجم و کیفیت اینها را بالا ببرید، بهتر است. مسئله‌ی دیپلماسی مهم است؛ البته همین‌طور که گفتیم، دیپلماسی باید جهت‌دار باشد؛ باید بدانیم چه میخواهیم و دنبال چه هستیم..... دیپلماسی را باید به کار اقتصادی بین‌المللی وصل کرد."^۱ با توجه به این که جمهوری اسلامی ایران در زمان تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا قرار دارد، دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی تنش با کشورهای همسایه و به ویژه ایران هراسی و شیعه‌هراسی را کاهش دهد. این متغیر مهم می‌تواند اقبال مردم منطقه در استفاده از محصولات ایرانی باشد. به اعتقاد کارشناسان کشور ما می‌تواند موضوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به عنوان فرصتی برای ارتقای مناسبات تجاری خارجی خود قرار دهد و هم در جذب و هم در اعطای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به اولویت بندی روی آورد. به ویژه در کشورهای عراق، افغانستان، ارمنستان و آذربایجان و کشورهای حاشیه خلیج فارس به عنوان مقدمه‌ای جهت پیشبرد دیپلماسی اقتصادی در سطح منطقه‌ای سود جوید.

منابع در آرشيو پژوهش خبری موجود است.

1. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، 85/6/6